

طنز

فنده های بلند



«عبدالکریم گشایش»
 طرف نصفه شب مزاحم شده بود!!
 گوشه را برداشتم میگم بعله؟
 میگه: خوابیدی؟
 میگم: نه اینجا هوا روشنه
 میگه: عجب؟ مگه کوچایی؟
 گفتم: من ایتالیام...
 طرف ترسید شارژش تموم بشه قطع کرد دیگه زنگ نزد!

یه روز سه نفر نشسته بودن جایی، یکیشون به عدد می گفت بعد همه شون هرهر می خندیدن و ریسه می رفتن.
 یه نفر می رسه میگه آقا قضیه ی این عددا چیه؟
 میگن ما حال نداریم جوک ها رو کامل تعریف کنیم واسه ی هر جوک به عدد گذاشتیم. وقتی یکی مون اون عدد رو می گه ما یاد اون شماره جوک می افتمیم و می خندیم!
 بهش می گن حالا تو به عدد بگو. طرف میگه ۲۷
 یهو هر سه تا می زدن زیر خنده و از شدت خنده اشکون در میاد می گن ای ول دمت گرم این بکیو تا حالا نشنیده بودیم!

نفر اول داشت نفر دوم رو می زد و می گف می کشمت سیروس!
 یکی رد شد گفت زتن گناه داره. نفر دوم گفت بزار بزنه من که سیروس نیستم!

توی رستوران، لیوان رو بر عکس گذاشته بودند روی میز. طرف می ره می نشینسه سر میز، میگه: این چه لیوانیه که سر نداره؟! بر عکسش می کنه، می گه: چه جالب! ته هم نداره!

سازمان جهانی بهداشت اعلام کرده که از هر ده نفر ۴ نفر از بیماری دل درد رنج می برندا! طرف می گه: یعنی اون ۶ تای دیگه از بیماری دل درد لذت می برن!؟

رفتم دندانپزشکی به دکتره میگم آقای دکتر این دندان عقلم کج در اومده... اودمد حسابشو برسی!

دکتره میگه یعنی میگی بکشمش؟!
 پ نه پ ، گفتم دکتری ، یکم نصیحتش کنی بلکه به راه راست هدایت شه!

نونوایی از جمعیت داره منفجر میشه یک نفر اومده می گه اینا همه توی صف هستن؟

گفتم پ نه پ اینا اومدن شاطرو تشویق کنن!

طرف خودشو دار زده، رفیقم می گه به خاطر مشکلات زندگی اینکارو کرده؟

گفتم پ نه پ می خواسته نیروی کشش طناب رو اندازه گیری کنه!

دیدین تو این فیلما وقتی ناراحتن موقع شام میگن اشتها ندارم؟ به بار من هم برای کلاشش این جمله رو گفتم.

بابام غذامو خورد. دیگه پشت دستمو داغ کردم از این کلاس ها نذارم!

بچه بودم به بار معلم موضوع انشا داد که اگر شما یک پرند بودید چه می کردید؟

منم نوشتم تخم می داشتم. بهم صفر داد!

آیا این رفتار درستی است یا یک پرند ی تخم گذار؟!
 رفته بودم لیبیاتی، دیدم یه نفر اومده با یه سطل به فروشنده می گه: آقا یه کیلو شیر گاو بدین فروشنده گفت: تو این سطلی که آوردی یه کیلو شیر گاو جا نمیشه

طرف خیلی خونسرد گفت: پس لطفا یه کیلو شیر گوسفند بدین!

انسان های ضعیف انتقام می گیرند
 انسان های قوی می بخشند
 انسان های باهوش نادیده می گیرند
 و انسان های خوش تیپ اصلا کسی را تحویل نمی گیرن!

انقدر بدم میاد وقتی داری یا ذوق و شوق واسه بابا مامانت یه داستان خنده دار تعریف می کنی، بعد کم کم بحث می کشه به درس زندگی و نصیحت!

دانشمندا تا کی می خوان نسبت به اون آب سردی که اول از دوش میاد بیرون بی تفاوت باشن؟

الان تنها نقطه ی مشترک بین من و پولدارها اینه که هر دو مون جیب داریم!

واسه داداشم رفته بودیم خواستگاری همه چیز خوب پیش می رفت تا اینکه پدر عروس گفت شام تشریف داشتید

بابام گفت نه ممنون چند جای دیگه باید سر یزیم!

آیا می دانستید با نگاه کردن به دست بعضی ها می توانید از احساسات آنها مطلع شوید؟!
 به عنوان مثال اگه دمیایی دستتون بود عصیانین!!!

اگر در مدرسه خواب تان گرفت



توانید مبارزه نکنید سخت در اشتباه هستید چرا که می توانید دو تا سیخ کبریت همراه تان داشته باشید و سر کلاس درست زمانی که خواب بر شما پیروز می شوید مابین دو تا پلک تان بگذارید و این جوری با این پدیده شوم! مبارزه کنید!

به شما توصیه می کنیم که سعی کنید خوابیدن با چشمان باز را از گرگ ها یاد بگیرید. از جایی که امکان دیدن گرگ ها در جنگ میسر کنید بسیار خسته هستید و خواب تان گرفته برود زیر میز و صورت تان را آب بزنید! اگر معلم تان متوجه این کار شد بگویید صورت تان کشیف شده و مجبور شدید که آن را بشویید!

اگر دست تان به وسیله یک چیز تیز می برد به جای اینکه ناراحت بشوید و گریه کنید و دوش را با چسب زخم ببندید خوشحال باشید و سر کلاس علاوه بر اینکه کتاب های درسی تان را می برید مقداری هم نمک ببرید و درست زمانی که خواب تان می گیرد مقداری نمک روی زخم تان بپاشید تا خواب تان عین چی از سر تان بیرد!

همانطور که ما هم دانش آموز بودیم و صاحب تجربه هستیم، می دانیم که بسیاری از دانش آموزان سر کلاس خواب شان می گیرد و اصلا هم نمی توانند جلوی خواب شان را بگیرند. این مسئله معمولا باعث تنش بین معلم و دانش آموز خواب آلود می شود. خصوصا که این روزها بسیاری از اوقات دانش آموزان را فضای مجازی پر می کند و آنها تا پاسی از شب گذشته چرخ می کنند و خوابشان می ریزد و بعد از خواب شان گرفت می خوابند و اگر گرفت که به چرخ زدن ادامه می دهند!

ادامه این مطلب برای کسانی است که احساس می کنند سر کلاس خواب شان می آید و احساس می کنند که برای این کار نمی توانند راهی پیدا بکنند. اگر این مشکل را دارید و فکر می کنید که این مشکل برای همیشه به قوت خودش باقی است سخت در اشتباهید و می توانید ادامه این مطلب را بخوانید تا راه کارهای عملی ما به کمک تان بیاید:

اگر سر کلاس جزو آن دسته ز افرادی هستید که تصور می کنید با خواب سر کلاس نمی

توانید مبارزه نکنید سخت در اشتباه هستید چرا که می توانید دو تا سیخ کبریت همراه تان داشته باشید و سر کلاس درست زمانی که خواب بر شما پیروز می شوید مابین دو تا پلک تان بگذارید و این جوری با این پدیده شوم! مبارزه کنید!

به شما توصیه می کنیم که سعی کنید خوابیدن با چشمان باز را از گرگ ها یاد بگیرید. از جایی که امکان دیدن گرگ ها در جنگ میسر کنید بسیار خسته هستید و خواب تان گرفته برود زیر میز و صورت تان را آب بزنید! اگر معلم تان متوجه این کار شد بگویید صورت تان کشیف شده و مجبور شدید که آن را بشویید!

اگر دست تان به وسیله یک چیز تیز می برد به جای اینکه ناراحت بشوید و گریه کنید و دوش را با چسب زخم ببندید خوشحال باشید و سر کلاس علاوه بر اینکه کتاب های درسی تان را می برید مقداری هم نمک ببرید و درست زمانی که خواب تان می گیرد مقداری نمک روی زخم تان بپاشید تا خواب تان عین چی از سر تان بیرد!

اگر سر کلاس جزو آن دسته ز افرادی هستید که تصور می کنید با خواب سر کلاس نمی

توانید مبارزه نکنید سخت در اشتباه هستید چرا که می توانید دو تا سیخ کبریت همراه تان داشته باشید و سر کلاس درست زمانی که خواب بر شما پیروز می شوید مابین دو تا پلک تان بگذارید و این جوری با این پدیده شوم! مبارزه کنید!

به شما توصیه می کنیم که سعی کنید خوابیدن با چشمان باز را از گرگ ها یاد بگیرید. از جایی که امکان دیدن گرگ ها در جنگ میسر کنید بسیار خسته هستید و خواب تان گرفته برود زیر میز و صورت تان را آب بزنید! اگر معلم تان متوجه این کار شد بگویید صورت تان کشیف شده و مجبور شدید که آن را بشویید!

اگر دست تان به وسیله یک چیز تیز می برد به جای اینکه ناراحت بشوید و گریه کنید و دوش را با چسب زخم ببندید خوشحال باشید و سر کلاس علاوه بر اینکه کتاب های درسی تان را می برید مقداری هم نمک ببرید و درست زمانی که خواب تان می گیرد مقداری نمک روی زخم تان بپاشید تا خواب تان عین چی از سر تان بیرد!

نترخ عکر

«گفایشان: آقا کارلوس تمرین من را دیدید؟ فکر کنم برای بازی با ویتنام آماده باشم!»



ایستگاه

برگزاری کارگاه آموزشی کاریکاتور با حضور هنرمندان ۱۳ استان کشور در اردبیل



دبیر بخش کاریکاتور هنرواره ملی انقلاب اسلامی -روایت ایرانی گفت: کارگاه آموزشی کاریکاتور در حوزه هنری استان اردبیل برگزار می شود. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان از اردبیل، شهرام رضایی، دبیر بخش کاریکاتور هنرواره ملی انقلاب اسلامی -روایت ایرانی گفت: با حضور سید مسعود شجاعی طباطبایی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری کشور و هنرمندانی از ۱۳ استان های یزد، ایلام، کرمانشاه، تهران، زنجان، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کهگیلویه و بویراحمد، شیراز البرز و اردبیل کارگاه آموزشی کاریکاتور «دونالد سلمان» به مدت ۲ روز در حوزه هنری استان اردبیل برگزار شد. وی بیان کرد: روزهای پنج شنبه ۲۰ و جمعه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۷ حوزه هنری پذیرای هنرمندان کاریکاتور از ۱۳ استان کشور به منظور تولید اثر برای حضور در نخستین هنرواره ملی انقلاب اسلامی -روایت ایرانی بود. دبیر کاریکاتور هنرواره ملی انقلاب اسلامی -روایت ایرانی اظهار داشت: آیین گشایش نمایشگاه آثار سید مسعود شجاعی طباطبایی هم با حضور جمعی از هنرمندان و مسئولین فرهنگی هنری استان ساعت ۱۸ روز پنج شنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۹۷ در نگارخانه قوام الدین مجتمع فرهنگی هنری فدک برگزار شد. رضایی اضافه کرد: مراسم اختتامیه این رویداد هنری با معرفی نفرات برگزیده و برتر در چهار رده مختلف (الف) به تعداد ۵ نفر، (ب) به تعداد ۱۰ نفر، (ج) به تعداد ۱۵ نفر و (د) به تعداد ۱۰ نفر روز جمعه در حوزه هنری استان اردبیل برگزار شد.

مراسم چهلمین روز درگذشت زرویی، طنزپرداز پیشکسوت برگزار شد

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، به مناسبت چهلمین روز درگذشت ابوالفضل زرویی نصر آباد، شاعر، نویسنده، پژوهشگر و طنزپرداز فقید، آیین نکوداشت این هنرمند با حضور نویسندگان، شاعران و شخصیت های فرهنگی و هنری در مسجد آیت الله خامنه ای حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم، سعید بیابانکی درباره شخصیت مرحوم ابوالفضل زرویی نصر آباد گفت: ۴۰ روز است که همه ما، خانواده بزرگ حوزه هنری، دوستان و همکاران ابوالفضل زرویی نصر آباد داغ دار شخصیتی بزرگ، اثرگذار و مسلط بر حوزه ادبیات و طنز هستیم. او انسانی بزرگ بود که دقیقه ای از عمرش را تلف نکرد و به خواندن، سرودن و نوشتن ادبیات ناب ایرانی پرداخت، او با تربیت شاگردان و راهنمایی آنها مسیر طنز ایران را بر پایه های استواری مستحکم کرد، او با دلی لیبالب از عشق اهل بیت(ع) به دیار باقی شتافت و امیدوارم به واسطه محبتش به آل الله(ع) در بهشت برین نزد آنها قرار گیرد. ابوالفضل زرویی نصر آباد، متولد سال ۱۳۴۸، با نام های مستعاری همچون ملا نصرالدین، چغندر میرزا، ننه قمر، کلثوم ننه، آمیزمتمقی، میرزا یحیی و عبدال در نشریات مختلفی طنز می نوشت. وی در تاریخ ۱۰ آذرماه بر اثر عارضه قلبی در ۴۹ سالگی درگذشت.

کاریکلماتور

- «سهراب گل هاشم»
- نبض کیف بولم در آخر ماه تندتر می زند.
- معلوم نیست بی طرف ها از کدام طرف بی طرف هستند.
- بعضی ها توی دلتان را خالی می کنند و بعضی ها زیر پانتان را.
- اگر می خواهید آچارفرانسه باشید باید بدانید کدام پیچ ها شل هستند.
- بعضی ها فکرشان به جایی نمی رسد و بعضی ها خودشان.
- برای گوش های سنگینش نیاز به یک باربر داشت
- خواب غفلت نیازی به رختخواب ندارد.
- باتری خورشید شب ها زیر شارژر ماه است.
- آن هایی که بلند فکر می کنند هیچ وقت کوتاه نمی آیند.
- بیشتر اوقات «ما» جای خود را به «من و تو» می دهد.
- برای روشن کردن منظورش همه چیز را به آتش کشید.
- رشته سخن را به دست گرفت و کلاهی نو برای مخاطب بافت.
- فقط آدم پرحرف سکوت ذخیره می کند.
- امروز همان راه های دیروز است.